

# قیام سیدالشهداء
# قیام برای اصلاح جامعه

محمدجواد مهری


بسم الله الرحمن الرحیم

# قیام سیدالشهداء، قیام برای اصلاح جامعه

نویسنده:

محمد جواد مهری

ناشر چاپی:

نشریه الکترونیک هیئت ویژه محرم ۸۵

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# قیام سیدالشهداء، قیام برای اصلاح جامعه

## مشخصات کتاب

عنوان : قیام سید الشهداء، قیام برای اصلاح جامعه

پدیدآورندگان : ۱۳۲۶-مهری، محمدجواد(پدیدآور)

منشأ مقاله: نشریه الکترونیک هیئت ویژه محرم ۸۵

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : قیام عاشورا

امام حسین (ع )

## قیام سیدالشهداء، قیام برای اصلاح جامعه

آن چه از سخنان درر بار و موضع گیری های امام حسین علیه السلام در طول نهضت بر می آید، این است که قیام امام برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی بوده و حضرت پیوسته بر این فریضه بسیار مهم که اصل و اساس تمام فرایض و واجبات است، در موارد و مواقع گوناگون، حتی در روز عاشورا، تأکید می نماید.علت این که امام حسین علیه السلام در دوران حکومت غاصبانه معاویه قیام نکرد با این که او نیز ستمگری جنایتکار و تبهکاری فاسد و نالایق بود، بلکه اساس تمام زشتی ها و خیانت ها و انحراف ها شخص معاویه است و یزید تمام بدیها و فسادها را از پدر پلیدش ارث برده، شاید این باشد که معاویه با آن همه خباثت، مردی زیرک و فریبکار بود و به صورت ظاهر، دین را بازیچه قرار نمی داد و تجاهر به فسق و تباهی نمی نمود، هرچند برای نابودی دین نقشه ها می کشید و با پیروان امیرالمومنین علیه السلام بدترین رفتارها را می نمود.روزی که معاویه به هلاکت رسید و فرزند خلفش یزید لعنه الله علیه بر اریکه قدرت تکیه زد و مقام والای خلافت اسلامی را با زور سرنیزه اشغال نمود، همان برنامه سیاه و ننگین پدرش را ادامه داد و همان دیکتاتوری ها و ستمگری ها و حق کشی ها را دنبال کرد، با این تفاوت که آشکارا با احکام اسلام بازی نمود و مرکز صدارت را مرکزی برای قماربازی، می گساری، انحرافات اخلاقی و تبهکاری قرار داد، و نه تنها خلافت را به بازی گرفت و پشت پا به احکام دین زد، بلکه اصل اسلام را به عنوان یک دین الهی منکر شد و رسالت پیامبر را زیر سوال برد و بنی هاشم را حاکمانی سلطه جو معرفی کرد که چند صباحی آمدند و حکومت کردند و اینک نوبت به من رسیده که از حکومت و قدرت کام دل برگیرم، هرچه بادا باد و با اشعار معروفش وحی و نبوت و همه اصول اسلامی را علنا منکر شد و به مسخره گرفت.لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزلاین جا دیگر جای درنگ برای یک مردالهی که وارث انبیا و اولیا است و سبط پیامبر و امام به حق است، نمی باشد. باید به سرعت قیام کرد تا آن همه رنج و محنت های نیای بزرگوارش، پدر و مادر و برادر پاک و مطهرش از بین نرود.این جا دیگر جای استراحت و سکوت و شانه از زیر بار مسئولیت خالی کردن نیست. باید قیام کرد و از اسلام و قرآن دفاع نمود چه مردم یاریش کنند و چه غدر کرده و بیعتش را بشکنند.امروز روزی است که یزید ستمکار، بنیان و شالوده دین را می خواهد از بیخ و بن بر کند و خون پاک شهیدانی که در راه احقاق حق ریخته شده و اسلام را آبیاری نموده، پایمال نماید. و چه کسی

سزاوارتر از حسین که در برابر این تبهکار ملحد بایستد و قرآن و اسلام را حفظ کند و مسلمانان را از انحراف و به بی راهه رفتن نگه دارد.از این روی در پاسخ والی مدینه که از حضرتش خواسته بود با یزید بیعت نماید، چنین فرمود:«أیها الامیر! انا أهل بیت النبوه و معدن الرساله و مختلف الملائکه، بنا فتح الله و بنا یختم، و یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحرمه، معلن بالفسق، و مثلی لایبایع مثله ولکن تصبح و تصبحون و ننظر و تنظرون أینا أحق بالخلافه.» ما اهل بیت پیامبر و کان رسالت هستیم. منزل ما فرودگاه فرشتگان است. خداوند از ما آغاز کرده و به ما ختم می کند.و یزید مردی است می خوار، قاتل نفس محترمه (بی گناهانی که خدا قتلشان را حرام دانسته)، تبهکار آشکار و شخصی مانند من هرگز با شخصی مانند او بیعت نمی کند، ولی به هر حال صبح بر ما و شما سر می زند و به زودی می بینید و می بینیم چه کسی سزاوارتر به خلافت و جانشینی پیامبر است! آری! اگر حسین علیه السلام قیام نمی کرد و در برابر آن همه فساد و کژی، سکوت اختیار می نمود، هرچند زندگی آرام و بی دغدغه ای داشت و شاید خیلی هم با عزت و احترام بود، ولی قطعا سکوت او فرصتی زرین به یزید و یزیدیان می داد که نقشه های شوم شیطانی خود را اجرا کنند و به آمال و آرزوی دیرینه شان برسند و از اسلام اثری نماند چنان چه پیوسته پدرش معاویه آرزو می کرد روزی برسد که صدای شهادتین از مأذنه ها بلند نشود و نام مبارك رسول الله از زبان ها و نوشته ها برداشته شود.این جا است که قیام حسین، اسلام را دگر بار زنده کرد و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «حسین منی و أنا من حسین» ـ حسین از من است و من از حسینم. یعنی حسین ادامه دهنده راه وحی و زنده نگه دارنده اسلام و قرآن است. چه خوش است سخن یار که در این زمینه می فرماید:«اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جان فرسای نبی اکرم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند. و اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید ـ یادگار عصر تاریك بت پرستی ـ که به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی، امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «لاخبر جاء و لا وحی نزل» بنیاد حکومت الهی را برکند، نمی دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه میآمد؟ لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت افروز را جاوید نگاه دارد و با خون شهیدانی چون فرزندان وحی احیا و پشتیبانی فرماید و از آسیب دهر نگه دارد، و حسین بن علی آن عصاره نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیده خویش و امت معظم پیامبر اکرم نماید تا در امتداد تاریخ، خون پاك او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و رهآوردهای آن پاسداری نماید». (پیام امام ۱۶ / ۳ / ۶۰)

## اکنون امام حسین می خواهد قیام کند. از کجا باید آغاز کرد؟

آیا کافی است که در مدینه بماند و در محدوده کوچکی علیه دستگاه ستمگر یزید تبلیغات کند یا اینکه جای دیگری برود که بیش تر مجال تبلیغ و فعالیت دارد. آری! امام حسین علیه السلام، مکه را برای تبلیغ و حرکت علیه یزید اختیار کرد. در آن جاست که مسلمانان از هر شهر و روستا جمع می شوند، گردهم می آیند و از مسایل اسلام با خبر می شوند. امام حسین هم که هیچ وسیله تبلیغاتی جز سخن گفتن ندارد، پس بهتر است در آن جا به فعالیت بپردازد و جهان اسلام را در جریان امور قرار دهد.و سرانجام شب یکشنبه دو روز مانده به آخر ماه رجب همراه با برادران، فرزندان و فرزندان برادر و اهل بیتش، مدینه را به قصد مکه ترك می کند. هنگام حرکت این آیه را زمزمه می کند: «فخرج منها خائفا یترقب قال رب نجنی من القوم الظالمین». روز سوم شعبان وارد مکه می شود. در منزل عباس بن عبدالمطلب فرود می آید، اهل مکه که از جریان مسافرت امام خبردار می شوند به دیدن حضرت می آیند.مردم مکه آگاه می شوند که حضرت به عنوان اعتراض از مدینه هجرت کرده و به مکه آمده است. اخبار به شام مرکز حکومت یزید می رسد و به زودی تقریبا تمام مردم در جریان امر قرار می گیرند.شخصیت های

کوفه که خبردار می شوند حسین به مکه آمده است، گردهم می آیند و تصمیم می گیرند که حسین را دعوت کنند که به کوفه ـ مرکز حکومت پدرش امیر المومنین ـ بیاید و قدرت را به دست بگیرد و با دولت ستم گر نبرد نماید.امام حسین علیه السلام برای آزمایش، حضرت مسلم پسر عمو و سفیر عزیزش را به کوفه می فرستد. پنج روز از ماه شوال گذشته که مسلم وارد کوفه می شود. اشراف و اعیان قوم از او پذیرایی کرده، با کمال احترام و تقدیر از او استقبال می کنند یزید که سخت از اوضاع سرگردان شده و به وحشت افتاده است فورا از عبیدالله بن زیاد ـ که والیش در بصره بود ـ می خواهد که بی درنگ بصره را ترک و به کوفه وارد شود و با شدت، اوضاع را کنترل کند.خلاصه از سویی مردم با مسلم بیعت می کنند و از سویی دیگر، ابن زیاد مردم را به بیعت با یزید فرا می خواند وتهدید می کند که اگر کسی با مسلم کوچک ترین رفت و آمد و مراوده ای داشته باشد، فورا کشته می شود. کوفیان مسلم را رها می کنند و ابن زیاد پس از چند روز درگیری مسلم را به طور فجیعی به شهادت می رساند. از آن سوی امام حسین علیه السلام هشت روز از ذیحجه گذشته آماده ترک مکه می شود. حج خودرا مبدل به عمره مفرده می کند زیرا نمی خواهد حرمت خانه خدا با ریختن خونش، شکسته شود. قبل از خروج از مکه، در میان مردم خطبه ای می خواند که در آن خطبه به مردم می فهماند او برای خدا قیام کرده و از مرگ هیچ هراسی ندارد، و می بیند که به زودی خون خود و یارانش در سرزمین کربلا ریخته می شود ولی راهی جز قیام نمانده است، پس هر که می خواهد در راه اهل بیت، جانش را نثار کند و با خدا معامله نماید و در روز رستاخیز روی سفید باشد، با او همراه شود چرا که او صبح عازم سفر است. رضای خدا در رضایت اهل بیت است. این گوی و این میدان، بسم الله.حسین در میان راه از مکه تا کربلا، هرجا رسیده است، سخن از فساد دستگاه حاکم گفته و امر به معروف نموده و از منکر نهی فرموده و مردم را به حرکت و قیام علیه حکومت غاصب و ستمگر دعوت نموده است. او پیوسته فریاد می زند: «من مرگ در راه خدا را سعادت و زندگی را همراه با ستمگران، بدبختی و شقاوت می دانم.» و فلسفه قیام خود را چنین اعلام می فرمود:«ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که حاکم ستم گری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و پیمانش را شکسته و با سنت رسول خدا به مخالفت برخاسته و در بین بندگان خدا با ظلم و حق کشی، حکومت می کند و علیه او در رفتار و گفتار، در قول و عمل قیام نکند، بجاست که خداوند او را با همان ستم گر محشور نماید.ای مردم! اینان دست از اطاعت پروردگار برداشته اند و سر به فرمان شیطان نهاده اند و فساد و تباهی و ظلم را برملا کرده اند و حدود خدا را کنار زده اند و بیت المال مسلمین را به خود اختصاص داده اند و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام نموده اند...» روز عاشورا نیز امام حسین خطبه خوانده و مردم را نصیحت کرده و از ریختن خونش برحذر داشته است و یزیدیان را برای همیشه رسوا و مفتضح ساخته است. در همان روز دو سخنرانی مهم ایراد کرده که در یکی از آن ها انگیزه قیامش را علنا اعلام کرده و فرموده است:«هان! این زنا زاده فرزند زنا زاده ما را بین دو امر مخیر کرده، یا پذیرش ذلت و یا کشته شدن و هیهات منا الذله ;ممکن نیست ذلت و خواری را برای خود برگزینیم، نه خدا برای ما می خواهد نه رسولش و نه مومنین می پذیرند و نه دامن های پاکی که ما را در آغوش خود بزرگ کرده است. ما هرگز نمی پذیریم که اطاعت پست مردان بی شخصیت را برتر از مرگ جوانمردانه بدانیم. من با همین خاندان خویش و با یاران اندکم قیام می کنم و بر خدا توکل می نمایم و از شهادت هیچ هراسی ندارم». پس آن چه مسلم است این است که حسین علیه السلام در تمام مدت قیام و نهضت جاودانه اش، دمی از تبلیغ و امر به معروف فروگذار نکرده و غرض اصلی قیامش اصلاح امور جامعه بوده است که خود می فرماید:«من نه بیهوده و نه ستمگرانه قیام کردم و خروج نمودم بلکه غرض و هدفم اصلاح در میان امت جدم است». ولی گاهی این اصلاح محقق نمی شود جز با فدا شدن و خون خود را نثار کردن که حسین هرگز از این امر ابا ندارد و نه تنها از خون خود و یارانش می گذرد که در راه اسلام حاضر است اهل بیتش را نیز فدا کند:ترکت الخلق طرا فی هواکا و ایتمت العیال لکی اراکاو لو قطعتنی فی الحب اربا لماحن الفواد الی سواکاحسین

که جز خدا را نمی بیند، همه چیز را در راه رضای محبوب نثار می کند، حتی به اسارت خاندان عصمت و طهارت تن در می دهد تا روی محبوب را ببیند. زینب نیز همان خط را دنبال کرد و با صبر و شکیبایی و تحمل آن همه رنج و محنت بار برادر را به مقصد رساند و در تمام احوال نه تنها صابر بود که شاکر نیز بود و همه را چون در راه خدا می دید، جز زیبایی نمی دید. «ما رأیت الا جمیلا».

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹